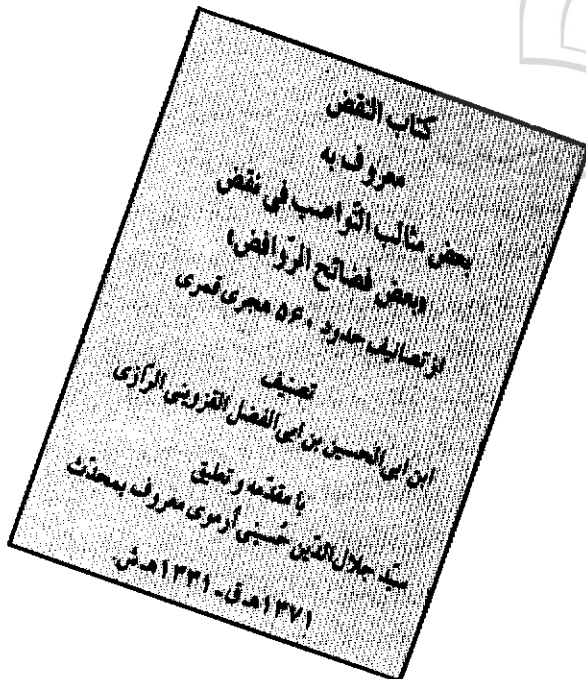


# تاریخ و فرهنگ در آینه کتاب نقض

علی صدراپی خویی



شهر ری در سده پنجم و ششم مرکز تمدن و فرهنگ ایران زمین بوده و اندیشه‌ها و مذاهب متعدد در آن رواج داشته و دانشمندان مذاهب مختلف در کنار هم در این شهر به فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی مشغول بوده‌اند.

لکن تندروان مذهبی با اقدامات نسنجیده خود، موجب تعارض مذاهب می‌شدند. یکی از این اقدامات تند تألیف کتابی به نام «بعض فضائح الروافض» بود. مؤلف این کتاب از دانشمندان اشعری مذهب ری بوده و با تهمت‌های ناروا و ناسزاگویی‌ها به ساحت شیعه مرتکب گناه نابخشودنی شده است، زیرا آنچه وی به شیعه نسبت داده اصلاً واقعیت ندارد و اطلاعات اندک وی درباره شیعه همراه با سوءنظری که وی نسبت به شیعیان داشته موجب گشته که مرتکب اشتباهات فاحشی گردد.

به هر حال تألیف این کتاب، یکی از دانشمندان شیعی ری را بر آن داشته که در رد آن کتابی تألیف نماید که حاصل آن پدید آمدن کتاب «بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض» معروف به کتاب «نقض» گردیده است.

در لابلای ایرادات دانشمند اشعری و جواب‌های صاحب نقض به وی، مطالب زیادی درباره تاریخ، جغرافیا، فرهنگ، آداب و رسوم مذهبی، حاکمان و دانشمندان ری ذکر گردیده که اغلب آنها منحصر به کتاب نقض است.

این مقال نظری دارد بر مطالبی که در این کتاب، درباره تاریخ و فرهنگ ری ذکر شده است. و من الله التوفیق ومنه الاعانة.

شیعیان ری در سده ششم

عبدالجلیل رازی در کتاب نقض، گزارش‌های متعددی از اوضاع شیعیان ری به دست داده که چند مورد آن عبارتند از: «و از متمکنان و رؤسا و سادات ری و قزوین از متقدمات چون سید ابوالقاسم دوگیس از کلار و کجور به ری آمد و امیر و

کتاب نقض معروف به بعضی مثالب الرواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، از تصانیف حدود ۵۶۰ هجری قمری، تصنیف ابی الحسین بن ابی الفضل القزوی فی الرازی، با مقدمه و تعلیق سید جلال الدین حسینی آرموی معروف بمحدث، ۱۳۷۱ هـ. ق. - ۱۳۳۱ هـ. ش.

پادشاه ری شد. از اولاد الحسن بن علی علیهما السلام و پسرش سید حسین عیار و منزلت او و سید ابوابراهیم و سید حمزه شعرانی که بنادر رازی را در مدح ایشان قصاید است.<sup>۱</sup>

«و از متأخران چون خاندان سید علوی رئیس و حاکم و خاندان سید کامل نقیب و برادرش سید ابوالعباس و درجه و مرتبت سید کبیر شمس الدین الحسنی خود پوشیده نماند از عقل و تواضع و رأی رزین و قبول او پیش امرا و سلاطین و پسرش امیر سید کبیر جمال الدین علی عدیم النظیر با فضل و فتوت و کمال و مروت و سید عمادالدین شرف نقیب و رئیس مقبول و محترم و برادرش عزالدین پادشاه.<sup>۱</sup>»

و درباره احترام عالمان شیعی نزد حاکمان می نویسد:

«در هر دو هفته نظام الملک از ری به دوریست رفتی و از خواجه سماع اخبار کردی و باز گشتی.<sup>۲</sup>»

و درباره پراکندگی جمعیتی شیعیان می نویسد:

«و بعضی از دیار طبرستان و ری و نواحی بسیار از وی و بعضی از قزوین و نواحی آن و بعضی از خرقان همه شیعی و اصولی و امامتی باشند.<sup>۳</sup>»

#### سخت گیری حاکمان بر شیعه

در نقض چند نمونه از سخت گیری حاکمان وقت بر دانشمندان شیعه در ری از قول مؤلف «بعض فضائح الروافض» نقل شده که اغلب آنها با تحریک بزرگان مذاهب حنفی و شافعی صورت گرفته است. چند نمونه از آن عبارت است از: «نظام الملک ابوعلی الحسن بن علی بن اسحاق... در ری هر که دعوی دانشمندی از اینها کردی چون حسکا بابویه و یوطالب بابویه... و جز اینها از رافضیان شتام همه را بفرمود تا بر منبرها بردند سرها برهنه کرده به بی حرمتی و استخفاف که می کردند و برایشان می گفتند: شما دشمنان دینید و سابقان اسلام را لعنت می کنید و شعارتان شعار ملحدان است. ایمان بیاورید تا اگر خواستند و اگر نه ایمان می آوردند و از مقالات رضی بیزار می شدند.<sup>۴</sup>» وی در جای دیگر کتاب این مسئله را به طور کلی بیان کرده با این عبارت:

«و در روزگار سلطان ملکشاه در ری چه استخفاف ها رفت بر رافضیان و همه را بر منبرها بردند که ایمان بیاری.<sup>۵</sup>»

#### عزاداری بر امام حسین (ع)

صاحب نقض گزارش نسبتاً جامعی از عزاداری برای امام

حسین (ع) در ری نقل نموده است. مسئله مورد توجه در این گزارش آنکه پیروان و دانشمندان مذاهب حنفی و شافعی و شیعی در این زمینه با هم متحد و در مراسم عزاداری همه شرکت می کردند. عبارت رازی چنین:

«و به ری که از امهات بلاد عالم است معلوم است که شیخ ابوالفتوح نصرآبادی و خواجه محمود حدادی حنفی و غیر ایشان در کاروانسرای کوشک و مساجد بزرگ در روز عاشورا چه کرده اند؟! از ذکر تعزیت و لعنت ظالمان، و درین روزگار آنچه هر سال خواجه امام شرف الائمه ابونصر الهسنجانی کند در هر عاشورا به حضور امرا و ترکان و خواجهگان و حضور حنیفیان معروف و همه موافقت نمایند و یاری کنند و این قصه خود بوجهی گوید که دگران خود ندانند و نیارند گفتن و خواجه امام بومنصور حفده که در اصحاب شافعی معتبر و متقدم است بوقت حضور او بری دیدند که روز عاشورا این قصه بر چه طریق گفت و حسین را بر عثمان درجه و تفضیل نهاد و معاویه را باغی خواند در جامع سرهنگ و قاضی عمده ساوی حنفی که صاحب سخن و معروف است در جامع طغرل با حضور بیست هزار آدمی این قصه بنوعی گفت و این تعزیت بصفتی داشت از سر برهنه کردن و جامه دریدن که مانند آن نکرده بودند.»

«و مصنف کتاب اگر رازی است دیده باشد و شنوده و خواجه تاج شعری حنفی نيسابوری روز عاشورا بعد از نماز در جامع عتیق دیدند که چه مبالغت کرد در سنه خمس و خمسين و خمسمائة، باجارت قاضی با حضور کبرا و امرا.»

«و اگر خواجه به مجلس حنیفیان و شیعیان نرفته باشد آخر به مجلس شهاب مشاط رفته باشد که او هر سال که ماه محرم درآید ابتدا کند به مقتل عثمان و علی و روز عاشورا به مقتل حسین علی آورد تا سال پیرار به حضور خاتونان امیران و خاتون امیر اجل این قصه به وجهی گفت که بسی مردم جامه ها چاک کردند و خاک پاشیدند و عالم سر برهنه شد و زاری ها کردند که حاضران گفتند: زیادت از آن بود که به زعفران جای کنند شیعت.<sup>۶</sup>»

و نویسنده «بعض فضایح» در نقد بر شیعیان چنین می گوید:

۱. نقض، ص ۲۲۵.
۲. همان، ص ۱۴۵.
۳. همان، ص ۴۵۹.
۴. همان، ص ۱۴۲.
۵. همان، ص ۴۱.
۶. همان، ص ۳۷۲-۳۷۳.

۴. مدرسه فقیه علی جاسبی

«و مدرسه فقیه علی جاسبی به کوی اصفهانیان که خواجه امیرک فرموده است که بدان تکلف مدرسه ای در هیچ طایفه ای نیست و سادات دارند و در آنجا مجلس وعظ و ختم قرآن و نماز به جماعت باشد». ۱۲

۵. مدرسه خواجه عبدالجبار مفید

«و مدرسه خواجه عبدالجبار مفید که چهارصد مرد فقیه و متکلم در آن مدرسه درس شریعت آموختند و این ساعت معروف و مشهور است به درس علوم و نماز به جماعت و ختم قرآن و نزول اهل صلاح و فقه». ۱۳

۶. مدرسه کوی فیروز

۷. مدرسه خواجه امام رشید رازی

«و مدرسه خواجه امام رشید رازی به دوازه جاروب بندان که زیاده از دویست دانشمند در وی درس اصول دین و اصول فقه و علم شریعت خواندند که علامه روزگار خویش بودند و هنوز معمور و مسکون و در آنجا درس علم می رود و هر روز ختم قرآن و منزل مصلحان و فقهاست و کتبخانه دارد و به همه انواع مزین است». ۱۵

۸. مدرسه شیخ حیدر مکی

این مدرسه در محله «در مصلحگاه» ری قرار داشته است. ۱۶  
 ۹. مدرسه عبدالجلیل رازی (صاحب نقض)  
 عبدالجلیل در این مدرسه وعظ می کرده و در این باره می گوید:  
 «در شهر سنه خمسین و خمسمائة مرا روز آدینه به مدرسه بزرگ خود نوبت مجلس بود». ۱۷

مساجد

صاحب نقض از مساجد ری گزارش چندانی نداده و فقط از چند مسجد جامع آن ذکری به میان آورده با این عبارت:

۷. همان، ص ۳۷۰.

۸. همان، ص ۵۹۲.

۹. همان، ص ۲۴.

۱۰. همان، ص ۳۴-۳۵.

۱۱. همان، ص ۳۵.

۱۲. همان.

۱۳. همان.

۱۴. همان، ص ۳۶.

۱۵. همان.

۱۶. همان.

۱۷. همان، ص ۱۳۷-۱۳۸.

«این طایفه روز عاشورا اظهار جزع و فرح کنند و رسم تعزیت را اقامت کنند و مصیبت شهدای کربلا تازه گردانند بر منبرها و قصه گویند و علما سر برهنه کنند و عوام جامه چاک کنند و زنان روی خراشند و مویه کنند». ۷

و صاحب نقض در اینکه تعزیه بر حضرت سیدالشهداء امام حسین (ع) مختص شیعیان نیست بلکه تمام فرق در آن عزاداری می کنند چنین نوشته:

«اما جواب این است که تعزیت حسین علی داشتن متابعت فرمان رسول (ص) است که گفت: من یکی الحسین او ابکی وجبت له الجنة و شیعه بدین جزع و فرح مخصوص نیستند در همه بلاد اصحاب شافعی و بلاد اصحاب بوحنیفه فحول علما چون محمد منصور و امیر عبادی و خواجه علی غزنوی و صدر خجندی و ابو منصور ماشاده و مجد همدانی و ... علما رفته و باقیان از فریقین در موسم عاشورا این تعزیت با جزع و نوحه و زاری داشته اند و بر شهدا کربلا گریسته و این معنی از آفتاب ظاهر ترست». ۸

مدارس شیعیان در ری

در سده ششم، شیعیان در ری فعالیت علمی و فرهنگی چشم گیری داشتند و مراکز فرهنگی متعددی دایر بود که از جمله آنها مدارس است. در کتاب نقض نام چندین مدرسه که مرکز فعالیت علمی شیعیان بوده ذکر گردیده که عبارتند از:

۱. مدرسه تاج الدین محمد کیسکی

«اولاً مدرسه بزرگ سید تاج الدین محمد کیسکی (ره) به کلاه دوزان که مبارک شرفی فرموده است و قرب نود سال است که در آنجا ختمات قرآن و نماز جماعت هر روز پنج بار و مجلس وعظ هر یک هفته دو بار و یک بار، و درین مدرسه موضع مناظره و نزول مصلحان در آنجا که مجاوران اند از اهل علم و زهد و سادات و فقهای غریب که رسند و باشند و معمور و مشهور است». ۹

۲. مدرسه شمس الاسلام حسکا بابویه

«مدرسه شمس الاسلام حسکا بابویه که پیر این طایفه بود که نزدیک سرای ایالت است و در آنجا به جماعت و قرائت قرآن و تعلیم قرآن کودکان را و مجلس وعظ و طریق فتوی و تقوی ظاهر و معین بوده است و هست». ۱۰

۳. مدرسه سادات کیسکی

این مدرسه میان دو مدرسه سابق قرار داشته و خوابگاه دانشجویان و طالبان علم بوده است. ۱۱

ابو عبدالله الأبیض و به زیارت السید حمزه الموسوی که شرف و نسب و جزالت فضل و کمال عفت ایشان ظاهر است». ۲۴

### خانقاه‌ها

صاحب نقض از دو خانقاه یاد کرده که محل اجتماع شیعیان بوده است بدین نام‌ها:

۱. خانقاه امیر اقبالی

۲. خانقاه علی عثمان

«و خانقاه علی عثمان که پیوسته منزل سادات عالم زاهد و متدین بوده است در آنجا نماز جماعت و ختم قرآن متواتر و مترادف باشد و هنوز معمور و مشهور است». ۲۵

### جدال‌های مذهبی

کتاب نقض گزارش کامل و جامعی از وضع مذهب در ری در سده ششم ارائه نموده است. بنا به تصریح وی چهار مذهب شافعی، حنفی، شیعه امامیه و شیعه زیدیه در ری رواج کامل داشته و هر کدام از آنها دارای مراکز فرهنگی و مذهبی و دانشمندان بلند پایه‌ای در ری بوده‌اند.

این سده مصادف با ظهور و رواج اسماعیلیه و پیروان آنان در ایران بوده که پیروان مذاهب دیگر از آنها «ملحد» تعبیر می‌کردند. در کتاب نقض گزارش‌های متعددی از درگیری اسماعیلیه با حاکمان و پیروان مذاهب منعکس شده است.

تعدد مذهب در ری هر از گاهی موجب مناقشات مذهبی و مناظرات کلامی بین دانشمندان آنها شده که کتاب نقض یکی از این موارد است. در این کتاب موارد متعدد از درگیری‌های کلامی و جدال‌های اعتقادی بین پیروان مذاهب گزارش شده که جالب توجه است. این مناقشات نوعاً همیشه با طرفداری حاکم وقت از مذهبی به نفع آن مذهب تمام شده است. نمونه‌هایی از این منازعات که در نقض ذکر شده عبارت است:

۱۸. همان، ص ۵۵۲.

۱۹. همان، ص ۵۸۰.

۲۰. برای آگاهی بیشتر از بنای برج طغرل و تاریخ آن به دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۶۷۴، ماده «برج طغرل» مراجعه شود.

۲۱. درباره این کتابخانه، به لغت نامه دهخدا ماده صاحب بن عباد مراجعه شود.

۲۲. نقض، ص ۱۸ و ۲۱۷ با این تعبیر: «... و کتب خانه صاحبی بروده او نصب فرموده است».

۲۳. همان، ص ۳۶.

۲۴. همان، ص ۵۸۸.

۲۵. همان، ص ۳۶.

«مثلاً شهر اعظم در عالم یکی ری است و در و جامعی به روده هست از آن اشعری مذهبان و مسجد طغرل است از آن حنیفیان محض بی خیانت و مساجد عتیق سه گانه که دیالم شیعه کرده‌اند گویند یکی از آن حنیفیان است که مذهب نجار گویند». ۱۸

### قبر طغرل (برج طغرل)

از جمله بناهایی که رازی از آن یاد کرده قبر طغرل است که دارای تجملات و زینت زیاد بوده و عبارت نقض چنین است:

«گورخانه سلطان کبیر سعید طغرل (ره) بری ندیده است با چندین زینت و آلت بعد از صد سال»<sup>۱۹</sup>

شایان ذکر است که مقصود از این آرامگاه همان برج طغرل است که هم اکنون نیز در ری پابرجاست. این برج مدفن طغرل اول سلجوقی (در گذشته به سال ۴۵۵ق) و برخی دیگر از افراد این خاندان است.<sup>۲۰</sup>

### دیگر مکان‌های فرهنگی

غیر از مدرسه‌ها، مکان‌های فرهنگی دیگری نیز در ری دایر بوده نظیر کتابخانه‌ها، زیارت‌گاه‌ها و خانقاه‌ها که در نقض نام چند مرکز فرهنگی ذکر شده است.

### کتابخانه‌ها

۱. کتابخانه صاحب بن عباد در ری: این کتابخانه بزرگ‌ترین کتابخانه در ری بلکه در جهان اسلام در عصر خود بوده است.<sup>۲۱</sup> صاحب نقض از این کتابخانه به کتابخانه صاحبی تعبیر نموده است.<sup>۲۲</sup>

۲. کتابخانه مدرسه خواجه امام رشید رازی،<sup>۲۳</sup> که مدرسه شیعی بوده است.

### زیارتگاه‌ها

در ری زیارتگاه‌های متعددی وجود داشته ولی آنچه مشهور و مورد توجه عامه بوده و صاحب نقض آنها را یاد نموده سه زیارتگاه است که عبارتند از:

۱. مزار سید عبدالعظیم حسنی؛

۲. زیارتگاه سید ابو عبدالله ایبض (امام زاده عبدالله)؛

۳. مزار سید حمزه.

عبارت نقض چنین است:

«اهل ری به زیارت سید عبدالعظیم شوند و به زیارت السید

### مناظره جلال‌الدین خراسانی با علمای اشعری

عبارت صاحب نقض در این مورد چنین است:

«بعد از آن هم در حیات سلطان مسعود به روزگار امیرعباس نمازی، علوی از بلخ به ری آمد جلال‌الدین لقب که عزم سفر حجاز داشت محترم از اصل فضل، روزی که مرا به سرای سید فخرالدین (ره) نوبت مجلس بود امیر حاجبی از آن امیرعباس بیامد با جماعتی ترکان و رضی‌الدین بوسعید و راه‌بینی و مکین‌الدین بلفخر قمی در مجلس بودند سید فخرالدین را گفتند: امیر می‌فرماید که علما و متکلمان مذهب خود را بیاورید که سید جلال‌الدین خراسانی با امام اهل سنت بلفضائل مشاط در وجوب معرفت سخن خواهد گفت. ما مجلس به آخر آوردیم و علما در خدمت سید فخرالدین به سرای ایالت رفتند و قاضی ظهیرالدین و خواجه بونصر هسنجانی و نجیب‌الدین بلمکارم متکلم را که متبحر بود در علم اصولین به ناظری اختیار کردند.

و علوی سخن گفت تا به حدی که امرا و همه ترکان بدانستند که حق اینست که معرفت باری تعالی به عقل و نظر دانند نه به تعلیم و خبر.

دگر باره خط‌ها تازه کردند و امیر بدرالدین قشلق ایشان را به تیماری می‌داشت از طریق حمایت نه از طریق مذهب، چون مسئله به آخر رسید برخاست و گفت: بر باطلی بیش ازین یاری نتوان کرد و سید بلحسین ونکی مقوی حاضر بود در حال این آیت برخواند:

و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا.

و جماعت برخاستند و بیرون آمدند و این مجملی است از آن مفصل.<sup>۲۶</sup>

رازی در جای دیگر کتابش از این واقعه به نحو دیگری گزارش داده که مکمل گزارش بالا است و گویا اشاره به واقعه دیگری نیز هست:

«در آن عهد که سلطان سعید مسعود بن محمد - انار الله برهانه - به ری آمد در عهد امیر غازی عباس - رحمه الله - رؤسای اصحاب سنت و ائمه آن طایفه را که مفتی و مقتدای اهل سنت و جماعت بودند و ایشان رئیس الاثمه بوسعید وزان و بلفضائل مشاط و شرف الاثمه بونصر هسنجانی اسرار مذهب خواجه بر سلطان و امرا و وزیر و خواجگان و خادمان ظاهر گردانیدند و در سرای امیرعباس آن دو معروف را مجوس کردند و سنیان و اشاعره غوغا کردند و در آن حادثه دو سه مفتن و غوغایی را در آویختند و بعد از سه ماه

حبس و رنج و خرج رئیس سادات و شیعه سید فخرالدین - رحمه الله علیه - به همکاری ایشان سعی‌ها کرد و شفقت‌ها نمود و قاضی القضاة کبیر حسن استرآبادی (ره) منزوی بود، تا به آخر کار خواجه بونصر هسنجانی به حضور سادات و علما و قضات و رؤسا و معتمدان طوایف در حضرت سلطان و امرا حاضر شدند و مسائلی که خلاف مذهب اهل عدل است و ایشان بدان منفرد بودند چون وجوب معرفت به نظر و عصمت انبیا و قبح تکلیف مالایطاق و جزا بر عمل و مانند این بنوشتند و بر ایشان عرض کردند و رجوع کردند و به خط خویش بطلان مذهب خویش بنوشتند بر وجهی که شرم دارم شرح آن دادن.<sup>۲۷</sup>

صاحب نقض در جای دیگر نیز گذرا به این مسئله پرداخته، با این عبارت:

«و در عهد سلطان سعید مسعود بن محمد بن ملک‌شاه (ره) به شهر ری با حضور رایت سلطان درین مسئله و در مسائلی دگر که مجبر بدان منفرد است، ماجراهای بسیار رفت در پیش تخت سلطان و به حضور ارکان دولت و به حضور ائمه عراق و خوراسان و از مذهب خواجه این معنی درست شد و علما و رؤسا آن طایفه به خط خویش بنوشتند و تبراً کردند از مذهب به تقیه و خوف سلطان رجوع کردند و گواه گرفتند و نسخت‌های آن در عالم منتشر شده و مفتی روزگار قاضی الحسن الاسترآبادی به صحت تأثیر عقل و نظر و رد تعلیم و تقلید فصول غراً مشبع نوشت.<sup>۲۸</sup>

### مناقشات مذهبی و نامگذاری فرزندان

در کتاب نقض در چند مورد درباره نام شیعیان بحث به میان آمده. این بحث برای متهم کردن حاکمان شیعی و شیعیان به دشمنی با اهل سنت به میان آورده شده است.

مورد اول آن است که نویسنده «بعض فضائح الروافض» ادعا می‌کند که شیعیان از طریق دشمنی با خلفا در ری و دیگر شهرها، نام فرزندان خود را عمر و ابوبکر و عثمان نمی‌گذارند و صاحب نقض از آن چنین پاسخ می‌دهد:

«و اما آنچه در ری و قم و قاشان و دگر مواضع نام ابوبکر و عمر و عثمان بر فرزندان کمتر نهند، شبهتی نیست و آن را سبب

۲۶. همان، ص ۴۵۱.

۲۷. همان، ص ۱۴۲-۱۴۳.

۲۸. همان، ص ۴۴۹ و ۴۱۰ این عبارت: «و به ری در عهد قشقر و امیرعباس که اصحاب بوحنیفه را به محفل پادشاه حاضر کردند».

- در مصلحگاه (ص ۳۶، ۷۴، ۹۱، ۱۱۱، ۱۲۴، ۱۹۴، ۲۵۰، ۴۳۷، ۴۴۵، ۴۵۳، ۵۸۲، ۵۸۶)
- در زاد مهران (ص ۷۴، ۹۱، ۱۲۴، ۴۳۷، ۴۵۳ و ۵۸۲)
- عیالاناباد (ص ۳۰۵)
- کوی صوفی (ص ۱۲۴)
- ایوان (اوین) (ص ۴۲۱)
- کن (ص ۴۲۱)
- برزاد (ص ۴۲۱)
- دوازه آهنین (ص ۳۵)
- کلاه دوزان (ص ۳۴)
- ونک (ص ۴۵۱)
- کوی اصفهانیان (ص ۳۵)
- کوی مجاهر (ص ۲۵۰)
- باروی ری (ص ۲۱۹)
- باطان ری (ص ۴۳۷، ۵۷۷ و ۵۹۵)
- درعایش (ص ۸۲، ۲۷۶، ۴۳۶ و ۴۳۷)
- دوازه جاروب بندان (ص ۳۶)
- دوریست (ص ۱۴۵)
- روده (ص ۱۲۴، ۲۱۷، ۵۵۱ و ۵۵۲)
- سرای ایالت (ص ۳۵، ۱۲۶ و ۴۵۱)
- سرای سید فخرالدین (ص ۴۵۱)
- صحرای درعایش (ص ۶۷ و ۴۳۷)
- طاق باجکی (ص ۱۱۸ و ۱۲۱)
- طاق باجگر (ص ۶۷)
- کره بودلف (ص ۲۳، ۲۷۸، ۳۰۱، ۳۰۴-۳۰۷، ۴۳۸ و ۴۵۹)
- زعفران جای (ص ۳۷۳)

#### اسماعیلیه در ری

یکی از موارد جالب در کتاب نقض گزارش هایی است که در رابطه با اسماعیلیه و پیروان حسن صباح ارایه شده. از این گزارش ها معلوم می گردد که اسماعیلیه نزد هیچ یک از مذاهب رسمی، مقبولیت نداشته اند و در نزد سران و پیروان مذاهب به ملحد مشهور بودند.

ولی مسئله جالب توجه اینکه هر کدام از پیروان مذاهب سعی

نزولی هست و آن عجیبست که در عهد سلطان ملکشاه و برکیارق ... آن پیر دانشمند سنی متعصب چنین فتوا کرد که این رافضیان از غایت بغض صحابه می شونند و نام پسران را بوبکر و عمر و عثمان برمی نهند و فرزندان را به نیت ایشان کافر و ملحد و حرامزاده می خوانند و نامشان می برند و اشارت به فرزندان خود می کنند و غرضشان صحابه بزرگوارند ...»

«چون حال بدین انجامید شیعت این حال رفع کردند بر خواجه علی عالم و فقیه بلماعالی امامتی و شمس الاسلام حسکا و بو طالب بابویه و سید رئیس محمد کیسکی و سید امام ما نگدیم رضی، ایشان گفتند چون درین اختیار بر شما تشنیع می زنند ترک این تبرک کنید و این اسامی که سنت است بر فرزندان منهدید تا کس را بر شما سخن نباشد تا به برکات گفت و فتوای پیر دانشمند سنی این طریقت زایل شد و منقطع گشت.»<sup>۲۹</sup>

مورد دوم از ایراد نویسنده بعض فضایح آن است که ابوالفضل براوستانی را که شیعه مذهب و در ری حاکمیت و وزارت داشت را متهم می کند که افرادی را که نام خلفا را داشتند دستور به کشتن آنها داده است. متن عبارت وی چنین است:

«... تا به حدی که چون بلفضل براوستانی در ری بود گازی را از درعایش به حوالتی بگرفتند و نام گازر بوبکر بود اما رافضی بود تا پیش مجدالملک براوستانی افتاد گفت: بیری او را و بر آویزی به حوالتی که قتل بر او واجب نبود. گفتند: ای خداوند او مردی مؤمن است یعنی رافضی است. گفتی شما گفتی بوبکر نام است و هر آینه بوبکر کشتنی باشد تا دست از او برداشتند.»<sup>۳۰</sup>

و صاحب نقض در جواب وی می نویسد:

«من نیز شنیدم از رئیس شیعت سید فخرالدین گفت: روزی در پیش مجدالملک بودم در خدمت پدرم حاضر بودم سید علی علوی دو بازرگان غریب درآمدند یکی از حلب و دیگری از ماوراءالنهر، ماوراءالنهری عمر نام و حنیفی بود و حلبی علی نام و شیعی بود. مجدالملک بفرمود تا وراءالنهری را که عمر نام بود از خزانه زر بدادند و علی حلبی را حوالت ساختند با شهر، مردکی فراش حاضر بود گفت: خداوند عجب نیست عمر را نقد می دهد و علی را نسیه گفت می دانم اما تا جهانیان بدانند که در پادشاهی و معامله تعصب روا نباشد.»<sup>۳۱</sup>

#### محللات قدیم ری

صاحب نقض در کتابش از محله های قدیم ری یاد کرده که اغلب شیعه نشین بوده اند. نام این جای ها عبارت است از:

۲۹. همان، ص ۴۰۴.

۳۰. همان، ص ۸۲.

۳۱. همان، ص ۸۳.



### لاسکیان ری

صاحب نقض در یک مورد از کتابش از برخورد ملوک دیالمه که شیعی مذهب بودند با لاسکیان در شهر ری خبر داده با این عبارت: «چنانکه در عهد ملوک دیالم ببری با لاسکیان و علمای مجبران رفت». ۲۷

از این عبارت معلوم می شود که لاسکیان فرقه ای بودند که مورد سیاست دیالمه قرار گرفته اند. مرحوم ارموی در تعلیقات خود بر نقض از تمة الیتیمه ثعالبی در ترجمه ابوبکر احمد بن علی الصبغی، نقل نموده که:

«وقوله فی انسانِ رازی کان یدعی انه من اللاسکیة ویتحل شعر ابن بابک:

ألم الذی یزعم أنّی لاسکی  
حجّامه تزوّجت بحائک  
وکلّ ما ینشد من أشعاره

فی شعر عبدالصمد بن بابک». ۲۸

همچنین مرحوم ارموی از دو دانشمند لاسکی به نام های قاضی ابوبکر لاسکی و فرزندش علی یاد کرده که از دومی در سال ۴۷۳ ق. روایت نقل شده است. ۲۹

ولی در لغت نامه دهخدا در این مورد چنین آمده:

«لاسکی، منسوب به لاسک و آن گمان برم نوعی از جامه باشد به مازندران ابوعبدالله طاهر بن احمد... بدین نسبت مشهور است؛ لاسکی، منسوب به لاسک که دهی است از توابع شفت فومن به گیلان». ۳۰

ولی به نظر می رسد که با توجه به توضیحات بالا، توضیحات لغت نامه دهخدا کامل نیست.

### دانشمندان و رجال ری

رازی در کتاب نقض به مناسبت های مختلف از دانشمندان و

۳۲. همان، ص ۴۲۵.

۳۳. همان، ص ۱۱۷.

۳۴. همان، ص ۳۱۴.

۳۵. همان، ص ۱۲۸.

۳۶. همان، ص ۴۲۰.

۳۷. همان، ص ۴۱.

۳۸. تعلیقات نقض، ج ۱، ص ۱۷۵ به نقل از تمة الیتیمه ثعالبی، ج ۲، ص ۲۴.

۳۹. ر. ک: تعلیقات نقض، ج ۱، ص ۱۷۷.

۴۰. لغت نامه دهخدا، ماده «لاسک».

داشتند که مذهب مقابل را به ارتباط داشتن با اسماعیلیه متهم کنند. و اینک چند نمونه از گزارش های مربوط به اسماعیلیه در ری: «و در این سال های نزدیک کودکی را ملحدان از راه بگرفتند از ری معروف زاده ای و به الموت بردند. پدرش بسی رنج ها کشید و خرج ها کرد و ملحدی گرفته را بخريد و بفروستاد با کسان امیر جمال الدین قیماز و آن مسلمان بچه را بعد از دو سال به ری باز آوردند». ۳۲

### اعدام پیروان اسماعیلیه در ری

«در شهر ری رستم خادم و بلقسم عبدویه و بلقسم شواء و غیر هم که امیر قجقرشان بطاق باجکی برآویخت همه رافضیان شتام بودند... و از قلعه های ولایت ری آن خواجهگان را که به زیر آوردند، چون بوجعفر عیلان و بورضا و بلفتوح اسدآبادی و غیر هم من الملاحده لعنهم الله نه همه رافض بودند و از رفض در الحاد شدند». ۳۳

موفق نشدن حسن صباح در تبلیغ اسماعیلیه در ری

«و حسن صباح علیه اللعنة در حدود الموت پدید آمد... و چون خبر او به قزوین و ری فاش شد از ری با محمد زعفرانی رحمة الله علیه که رئیس اصحاب بوحنیفه بود حشر انگیخت و روی بدان حدود آورد و چون از خلیفه و پادشاه مددی نیافت نامظفر بازگشت». ۳۴

و در جایی در مورد گرایش یکی از عالمان اهل سنت به اسماعیلیه چنین می نویسد:

«احمد جمشاده که از ری به الموت شد معلوم است که چه مذهب گفتمی و کجا خانه داشتی، معلوم است که رافضی نبود». ۳۵

### زیدیه در ری

در سده ششم زیدیه در ری دارای پیروان قابل توجهی بوده و سادات و دانشمندان زیادی از زیدیه در این شهر وجود داشته است. برای نمونه در موردی رادی درباره زیدیه چنین می نویسد: «زیدیان طایفه ای اند از مسلمانان و از امت محمد(ص) ... و در شهر ری مدرسه های معروف دارند و فقهای بسیار برین مذهب و در ری سادات بسیارند از نقیبان و رئیسان که این مذهب دارند... چنانکه سید امام ابو الفتح ونکی و خواجه امام بوجعفر گیل که بر بالای همه اصحاب بوحنیفه نشیند در حضرت مجلس حکم و معدل و مزکی باشد». ۳۶

حاکمان ری یاد کرده که در مقاله مستقلی با عنوان «أجال و دانشمندان ری در کتاب نقض» به آن پرداخته شده، و در اینجا فقط نام آنها درج می گردد:

عبدالجبار مفید رازی  
عبدالجلیل رازی  
رشیدالدین عبدالجلیل رازی  
عبدالجلیل قزوینی رازی  
عبدالرحمن نیشابوری رازی  
خواجه عبدالرحمن رازی  
عبدالعظیم حسنی  
علی بن مجاهر رازی  
علی جاسبی رازی  
خواجه علی متکلم رازی  
عمادالدین ابوالمعالی  
عمید برکه رازی  
عمید ابوالفواء  
قوامی رازی  
سید الامام مانگدیم رضی  
سید مجتبی بن داعی رازی  
سید رئیس محمد کیسکی  
محمد سمان رازی  
ابو سعید محمد نیشابوری  
خواجه محمود حدادی حنفی  
سدالدین محمود رازی  
سدالدین محمود حمصی رازی  
مختص الدین رازی  
مرتضی بن داعی رازی  
مشاط رازی  
نجیب ابوالمکارم متکلم رازی  
نوردوله رازی  
یحیی معاذ رازی  
بلمعالی امامتی  
ابوالمعالی نگارگر  
حیدر زیارتی مکی  
علی عالم  
ابوالحسین ونکی  
سید فخرالدین شمس الاسلام حسن  
وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

ابوسعبد ورامینی  
ابوطالب اسحاق بن بابویه رازی  
ابو عبدالله زاهد حسینی  
ابوالعلاء حسّول رازی متخلص به ابن بطه  
ابوعمید رازی  
ابوالفتح نصرآبادی  
ابوالفتح بن العمید قمی ملقب به ذوالکفایتین  
ابوالفتح رازی  
ابوالفتح بن مهدی ونکی  
ابوالفضل محمد بن حسین قمی  
ابوالقاسم عبدویه  
سید ابو محمد موسوی رازی  
ابونصر هسنجانی  
احمدچه رازی  
امیرک شیعی رازی  
بلمعالی امامتی رازی  
بندار رازی  
بوجعفر گیل  
تاج الدین کیسکی  
حسام الدین اتابک اینانج بیگ سنقر  
ابومنصور حفده  
شمس الاسلام حسکا بابویه  
حسن استرآبادی  
ابوتراب بن حسن درویستی  
خواجه حسن دوریستی  
اوحدالدین حسین قزوینی  
سید زکی نقیب ری  
شمس رازی  
شهاب مشاط  
شهاب الدین محمد کیسکی  
صاحب بن عباد  
شیخ صدوق  
قاضی القضاة ظهیرالدین  
امیرعباس صاحب ری